

بسم الله الرحمن الرحيم

## مکان شناسی محاکم دادرسی در دولت های متقارن

(۲۳۵-۴۳۶ ه.ق)

حسین کمالیان<sup>۱</sup>، محمد سپهری<sup>۲</sup>

چکیده:

در زمان پیامبر(ص) دادگاه و محکمه قضایی به شکل کنونی نبود و جلسه دادرسی به صورتی ساده و تنها با مراجعه طرفین دعوی در محل حضور ایشان برگزار می شد. این سنت در دوره خلفای ثلاثه و امامت علی(ع) و سالها پس از آن نیز ادامه داشت. اما با توسعه قلمرو اسلامی، رشد تعاملات اجتماعی و گسترش تشکیلات قضایی، بتدریج محل برگزاری محاکم شاهد تغییراتی گردید و مکان های مختلفی را شامل شد.

مکان شناسی محاکم قضایی در دولت های متقارن، موضوع این مقاله است که در آن تحولات موضوع با شواهد تاریخی بررسی و به جنبه های مختلف آن پرداخته شده است.

سوال اصلی مقاله این است: مکان یابی جلسات محاکمه و دادرسی در حکومت های متقارن، چه روندی را طی کرده و شاهد چه تغییراتی بوده است؟ بررسی بعمل آمده نشان می دهد: همگام با توسعه نهاد قضا، اگرچه مکان برگزاری محاکم، از شکل مراجعه مستقیم، حضور در مسجد و منزل قاضی، بتدریج جایگاه های مختلفی را همراه با ترتیباتی منظم در چگونگی حضور قاضیان، مدعیان، کاتب و دیگر عوامل قضایی به خود اختصاص داد، اما همزمان و بالضروره مساجد، دوایر حکومتی و مکان های عمومی همچنان کارکرد قضایی خود را نیز حفظ کردند، ولی این ترتیبات، دسترسی آسان مردم برای تظلم و دادخواهی را به شکلی مساوی و آسان فراهم نساخت.

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه ای و به روش توصیفی-تحلیلی، صورت گرفته است.

**کلید واژه ها:** دولتهای متقارن، جلسات دادرسی، تشکیلات قضائی، محاکم،

مقدمه:

در ابتدای دوره اسلامی، تشکیل جلسه دادرسی، تنها با طرح دعوی توسط طرفین متخاصم در حضور قاضی، رسمیت می یافت و محل آن نیز به مکان خاصی محدود نبود و می توانسته حتی در مسیر عبور قاضی و یا در هر محلی که وی حاضر می شده، انجام

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه تاریخ و باستان شناسی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
<sup>۲</sup> استاد گروه تاریخ و باستان شناسی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، sepehran55@gmail.com

پذیرد. این امر بر اساس سنت نبوی(ص) بوده و شواهد متعددی وجود دارد که طرفین دعوی در هر مکانی که پیامبر (ص) حضور داشته اند، اقامه دعوی نموده و حضرتشان نیز میان آنان داوری می فرموده اند.

اما بتدریج و با گسترش قلمرو دولت اسلامی، بنا بر ضرورت‌های روزافزون اجتماعی، روند دادرسی هم در شکل محاکم و هم در روش اجرایی، شاهد تحولات بسیاری شد و با افزایش روزافزون دادخواست‌ها، برای جلسات رسیدگی به دعاوی، مکان‌های مشخصی (از جمله مسجد جامع، منزل قاضی، دارالخلافة، دارالقضاء و ...) مورد استفاده قرار گرفت.

علیرغم آنکه در مورد وجوه مختلف امر قضاء، احکام شرعی مختلف و متنوعی در منابع و مآخذ فقه اسلامی آورده شده، اما در میان آنها، مکان برگزاری جلسات دادرسی(محکمه) از موضوعیت فقهی چندانی برخوردار نبوده و مسئله‌ای مورد مناقشه میان علمای مذاهب مختلف اسلامی بشمار نمی آمده است و بجز در خصوص موقعیت مکانی آن و حرمت، جواز و یا کراهت جلوس قاضی در مسجد و یا در منزل خود برای قضاوت، در مورد بقیه مکانهای دادرسی و شرایط آن وجه شرعی خاصی در مباحثات فقهی مذاهب اسلامی دیده نمی شود. در حقیقت مکان دادرسی، فرع موضوع قضاوت و در زمره آداب آن بوده، که احراز و یا عدم احراز شرایط محل، تاثیری بر اصل روند قضاوت نداشته است.

جانمایی جلسات دادرسی(محکمه) در دوره حکومت‌های متقارن(طاهریان، صفاریان، علویان، سامانیان، زیاریان، آل بویه) روندی روشن و مشخص را نشان نمی دهد و تغییر و تحولات آن نیز که در بسیاری از اوقات تابعی از دیگاه حاکمان به نهاد قضاء در این حکومتها بوده، بصورتی واحد و یک شکل امکان اجرا نیافته و در مناطق دور دست عملاً امکان تحقق نداشته است. با این تغییرات بطئی و کند، مردم بجز در مراکز حکومتی در شهرهای مهم، در دیگر نواحی و مناطق دورافتاده، عملاً مکانی برای طرح دعوی خود نداشته اند و تنها در صورت وجود قاضی، مساجد و بعضاً خانه این قاضیان به عنوان محلی برای برگزاری جلسه دادرسی مورد استفاده قرار می گرفته است. بدین لحاظ دربسیاری از مناطق تحت حاکمیت حکومت‌های متقارن، مساجد، دواير حکومتی و مکانهای عمومی بالضروره کارکرد قضایی خود را حفظ کردند، و ترتیبات جدید نیز، دسترسی آسان مردم برای تظلم و دادخواهی به شکلی مساوی و آسان را فراهم ساخت.

در مکان شناسی محاکم قضایی، علاوه بر ذکر سوابقی مختصر از موضوع از دوران حیات رسول اکرم(ص) تا روی کارآمدن عباسیان، به ادامه این روند در حکومت‌های متقارن پرداخته خواهد شد.

## مکان شناسی محاکم دادرسی

علیرغم آنکه در مورد جنبه‌های مختلف امر قضاء، احکام شرعی و دستورالعمل‌های متعددی در منابع اسلامی آورده شده است، اما در میان آنها، شرایط مکان و محل برگزاری جلسات دادرسی، از موضوعیت فقهی چندانی برخوردار نبوده و مسئله‌ای مورد مناقشه میان علمای مذاهب مختلف اسلامی بشمار نمی آمده است و بجز در خصوص موقعیت مکانی آن و حرمت، جواز و یا کراهت جلوس قاضی در مسجد و یا در منزل خود برای قضاوت، در مورد بقیه مکانهای دادرسی و شرایط آن وجه شرعی خاصی

در مباحثات فقهی مذاهب اسلامی مشاهده نمی شود. در حقیقت مکان دادرسی، جزو آداب و فرع موضوع قضاوت بوده (کاخکی، ۱۳۹۵، ص ۳)، که احراز و یا عدم احراز شرایط آن، تاثیری بر اصل روند قضاوت نداشته است. بدین لحاظ مکان یابی جلسات دادرسی (محکمه) بیشتر متأثر از تحولات امر قضا و گسترش تشکیلات آن بود. روند این تغییرات با استناد به منابع و مآخذ تاریخی با تمرکز بر مناطق شرق اسلامی و جغرافیای سرزمینی دولتهای متقارن در سطور ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱- شرایط عمومی جانمایی محاکم دادرسی

از جمله موضوعاتی که در آداب قضاوت<sup>۱</sup> مورد توجه واقع شده، موقعیت مکانی و توجه به منطقه و محلی است که مردم برای طرح دعوی می بایستی به آنجا مراجعه نمایند. این مکان در دوره های مختلف عناوینی چون محکمه، دارالقضاء، دکه القضاء، مجلس حکم، دیوان الحکم، دارالعدل، قبه المظالم، دارالخلافه، دارالحکم، بیت المظالم، مجلس مظالم، بیت القضاء، بیت القاضی و .. داشت که بعدها نام های جدیدتری چون عدلیه، دادسرا، دادگاه، دادگستری و ... یافت.

در خصوص موقعیت محلی و جانمایی محاکم دادرسی، آراء و توصیه های متعددی در آداب قضا وارد شده که در زمره مستحبات امر قضا می باشد. مختصری از آنها به شرح ذیل است:

- قول مشهور این است که محل دادرسی (دادگاه) باید در جایی از شهر باشد که مردم بتوانند براحتی بدانجا رفت و آمد کنند و در دسترسی به آن مانع و مشکلی وجود نداشته باشد. قاضی باید برای دادرسی جایگاه مشخص و بارزی که آمدن مردم به آنجا آسان باشد انتخاب کند. (امین، ۱۳۸۶، ص ۳۷۹)
- قاضی پس از انتصاب و هنگامی که به منطقه مأموریت رسید، در مرکز شهر ساکن شود، تا مراجعه کنندگان به اندازه مساوی به او دسترسی داشته باشند (گلپایگانی، ۱۴۱۳، صص ۱۴۵-۱۴۶). مقصود از سکونت، مسکن و یا منزل شخصی که قاضی و والی آنجا با خانواده شان زندگی می کنند، نیست، زیرا آنجا محل استراحت و زندگی شخصی اینان است، بلکه مقصود دارالولایه (فرمانداری یا استانداری) و دکه القضاء (دادگستری) است.
- نقل دیگری می گوید: قاضی باید در محلی وسیع در وسط شهر که برای مردم شناخته شده باشد به قضاوت بنشیند، چه محل قضاوت مسجد باشد و چه مکان دیگری (ابن اخوه، ۱۴۰۸، صص ۳۰۴-۳۰۵).
- محقق حلی می گوید: مستحب است که قاضی پس از ورود به محل مأموریت خود، در مرکز شهر سکونت اختیار کند تا همه اهالی شهر از هر سوی از جهت فاصله برای آمدن نزد او مساوی باشند و در صورت بزرگ بودن شهر ورود خود را به وسیله منادی مخصوص به اهالی شهر اعلان کند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۶۴).
- از دیگر آداب مستحب قضا این است که قاضی برای قضاوت در جایی بنشیند که برای مردمان مشخص و آشکار باشد، در سرباری نرود که برخی از مردم از آنجا می هراسند، تا نیازمندان بتوانند به راحتی به حقیقتان برسند. این ظاهراً به این معناست که می باید مکان محکمه و دکه القضاء به گونه ای باشد که مراجعه کننده از آنجا نترسد، تا بدان حد که از مطالبه حقیقت منصرف شود و به سبب ترس از وضع محل، مراجعه نکند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۳۶۶)

<sup>۱</sup> به تمامی منش و کنشی که برای قاضی یا والی که قاضی را نصب می کند سزاوار است، آداب قضا می گویند.

- از مجموعه آراء مطرح شده در این زمینه ضرورت انتخاب مکانی مناسب برای تشکیل جلسه دادرسی، ترجیحا در مرکز شهر و یا محلی که رفت و آمد به آن جا آسان و در دسترس باشد، موجب ترس و نگرانی مراجعین نگردد و از وسعت لازم برای حضور مردم نیز برخوردار باشد مورد نظر بوده است، اما بنظر نمی رسد این شرایط همواره در مکان یابی محاکم قضایی چندان مورد توجه بوده است.

## ۲- محل حضور قاضی :

در ابتدای اسلام، مسلمانان هر جا که پیامبر (ص) حضور داشتند، برای طرح دعوی نزد ایشان می شتافتند. پیامبر اکرم(ص) در انجام قضاوت ساده و بی تشریفات بود، ترتیباتی که مانع دست یابی صاحب حق به حقش می شود، در سیره آن حضرت وجود نداشت. به سرعت به کار دعوی رسیدگی می کرد، و آنرا طولانی نمی ساخت و یا موکول به زمان دیگر نمی کرد. در اغلب گزارشاتی که در آنها پیامبر اسلام(ص) قاضی بودند، محل برگزاری جلسه دادرسی، مقید به مکان خاصی نبوده و در مسجد النبّی، در مسیر عبور ایشان، در محل های استقرار حضرتشان در سفر، در جمع اصحاب و ..... برپا می شده است. شاهد این امر احادیث و روایت های متعددی است که حکایت دارد رسول الله(ص) در هر مکانی که به ایشان مراجعه می شد بین طرفین دعوی قضاوت می فرمودند.

- روایت شده که سر و صدای دو نفر (مدعی و مدعی علیه) درب منزل شنیده شد و حضرت پیامبر(ص) از منزل خارج شد (بعد از اطلاع از موضوع دعوا) و به آنها فرمود: من مانند شما انسان هستم و شما جهت رفع خصومت به من مراجعه می کنید و... الخ. (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۷، ص ۲۳۳)
- عدی بن عدی از پدرش نقل می کند که امرؤ القیس با مردی از حضرموت در مورد سر زمینی، اختلاف داشتند، جهت حل اختلاف خدمت حضرت پیامبر(ص) آمدند و ایشان ..... (همان، ص ۲۳۵)
- زبیر بن عوام از مهاجرین و مردی از انصار بر سر آبیاری نخلستان خود نزاع داشتند. به محضر رسول خدا(ص) آمدند و ایشان حکم کرد. (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۲۱۶).

از این نمونه ها در حیات پیامبر اکرم فراوان است. خلفای ثلاثه و علی(ع) نیز بر مبنای همین رفتار رسول اکرم(ص)، در محل برگزاری جلسه دادرسی مقید به مکان خاصی نبودند و در هر کجا که به آنان مراجعه می شد، به دادرسی میان متخاصمین می پرداختند. قضاوت های ابوبکر بعنوان نخستین خلیفه در مکانهای مختلف نشان دهنده روشی بوده که در دوره حیات پیامبر(ص)، انجام می پذیرفته است. قبیصه بن ذؤیب می گوید: پیرزنی به نزد ابوبکر(رض) آمد و خواهان سهم ارثش از میراث نوه اش بود. ابوبکر فرمود: «من، در کتاب خدا سهمی برای تو نمی بینم و نمی دانم که آیا رسول خدا (ص) سهمی برای تو معین کرده اند یا نه. والخ.» (صلابی، ۱۴۳۰، ص ۱۴۱-۱۴۵)

۱ - برای اطلاع بیشتر نک: "آفاق الشمس" احمد بن غرناطی(م. ۵۸۰ه.ق) و «قضیه رسول الله" ابن طلاع(م. ۴۹۷ه.ق)، و "قضیه الرسول و فتاوی النبویه" اظهیرالدین علی مرغنانی(م. ۵۰۶ه.ق)

عمر بن خطاب خلیفه دوم که از سالها قبل سمت قضاوت نیز داشت، جلسات دادرسی را در هر محلی که اقامه دعوی می شد برگزار می کرد. <sup>۱</sup> بهمین ترتیب عثمان خلیفه سوم (وکیع، ۱۴۲۲، ص ۷۷) و علی (ع) نیز بارها در محل حضورشان، میان مردم به داوری می نشستند. (همان، ص ۶۲-۶۹) قاضیان منسوب از جانب خلفای ثلاثه و علی (ع) نیز بر همین منوال عمل می کردند، اگر چه اغلب گزارشات دلالت بر این دارد که اکثر جلسات دادرسی این قسم از قاضیان معمولاً در مساجد برگزار می شده است.

در دوره امویان، قاضیان منصوب (از جمله ابودرداء، فضاله بن عبید الله الانصاری، نعمان بن بشیر، حسن بن بصری، توبه النمر الحضرمی، سعید بن الاشوع، میمون بن بهرام، سلیم بن عترالتجیبی<sup>۲</sup>) با مراجعه اصحاب دعوی به قضاوت میان آنان می پرداختند. در کنار دیوان مظالم، خلفا نیز رأساً به شکایات مردم که به آنها مراجعه می کردند رسیدگی می کردند.

- روزی عمر بن عبد العزیز برای نماز بیرون می رفت. مردی از اهل یمن میان راه به او برخورد، دادخواهی کرد. عمر پرسید چه ظلمی به تو شده است؟ مرد گفت ولید بن عبد الملک زمین مرا ضبط کرده، عمر همانطور سرپا فرمان داد دفتر خالصه را بیاورند والخ. (زیدان، جرجی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۱)

خلفای عباسی نیز برای اثبات اقتدار و هیبت خلافت خود و به تقلید از پیشینیان و با استفاده از قضات و متولیان اجرایی مقتدر و صالح و ترکیبی از مشاوران شایسته، در هر جایی که وارد می شدند خود و یا نمایانسان با برگزاری جلسات مظالم به دادخواهی مردم می نشستند.

- روزی پیرزن زنده پوش به مأمون از دست پسرش عباس مظلومه برد، خلیفه پسر خود را پهلوی زن دادخواه ایستاده کرده و بدادرسی او پرداخت (حبیبی ۱۳۸۰، ص ۵۴۴)

- نقل است هنگامیکه مأمون خلیفه عباسی در خراسان بود: «مأمون اندر خراسان عدل بگسترد و رسمهای نیکو نهاد، و بشهر مرو اندر سرای شایگان بنشست، و هر روز اندر مسجد جامع آمدی و مظالم کردی، و ..... داد ایشان بدادی. (گردیزی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵)»

برگزاری جلسات دادرسی در محل حضور قاضیان در دوره های بعدی در قلمرو اسلامی نیز همچنان معمول بود. و هر جا که قاضیان منصوب حضور می یافتند مردم برای طرح دعاوی خود به آنها مراجعه می کردند. (نک: جاحظ، ۱۳۸۶، ص ۲۸۰) خلفا، امرا، پادشاهان، امیران، نایبان آنها نیز که برای خود شأن قضاوت قائل بوده اند، هر کجا حاضر می شدند، به مظالم و امر قضاوت نیز می پرداخته اند. حتی برخی از آنها همواره قاضیانی را به همراه داشتند که در امر دادرسی و صدور رای، به آنها یاری و مساعدت می رساندند.

<sup>۱</sup> برای اطلاعات بیشتر نک: روائع من العدل الاسلامی، فایز موسی ابو شیخه.

<sup>۲</sup> برای اطلاع بیشتر به کتاب اخبار القضاة محمد بن وکیع مراجعه شود.

منابع تاریخی بکرات از به قضاوت نشستن و رسیدگی مستقیم طاهر بن عبدالله (امیر طاهری) و فرزندش عبدالله به دعاوی مردم در جلسات مظالم که بعضاً به صورت مرتب و در ایامی مشخص و با حضور حاجبان، قضات، فقها، کاتبان، و شهود برگزار می شد، سخن گفته اند و موارد زیادی را ذکر کرده اند.

محمد بن حمید الطاهری، خلیفه (جانشین) عبد الله (عبدالله بن طاهر) بود به نیشاپور، و بسیار ستم‌ها کرد. و از راه شارع، بعضی بگرفت، و اندر سرای خویش آورد، و چون عبدالله بن طاهر به نیشاپور آمد پرسید. احمد حاج، که معدّل بود بگفت که: «وی از طریق شارع، اندر سرای خویش آورده است.» عبد الله بن طاهر او را معزول کرد و بفرمود، تا دیوار از راه مسلمانان بر گرفت (گردیزی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۰).

در روزگار صفاریان، یعقوب علاوه بر اعزام مامورینی به نقاط مختلف قلمرو خویش (بهار، محمدتقی، ۱۳۶۶، صص ۲۶۸-۲۶۵)، شخصاً در روزی معینی در میدان قصر می نشست و به عرض حال و شکایات رعایا رسیدگی می نمود. «اندر عدل چنان بود که بر خضراء کوشک<sup>۱</sup> نشستی تنها، تا هر که را شغلی بودی بپای خضراء برفتی و سخن خویش بی حجاب با او بگفتی و اندر وقت تمام کردی چنانکه از شریعت واجب کردی. (همان، ص ۲۶۵)»

معروف است که "امیر اسماعیل سامانی برای احقاق حقوق مردم و دفع مظالم در بخارا دیوانخانه و داوران مخصوص داشت و همیشه در سفرها جماعتی از قضات عدل با او همراه بودند تا اگر در طی طریق نیز احتیاجی در این باب روی کند، قطع و فصل مراجعات دچار اشکال و وقفه نگردد و بر طبق شرع حکم اجرا شود." (پیرنیا، ۱۳۹۵، ص ۱۹۹)

برخی از امیران سامانی نیز در مواقعی در نقطه ای از شهر که بیشترین رفت و آمد را داشت حاضر می شدند تا افراد، برای تظلم و دادخواهی به آنها دسترسی بیشتری داشته باشند. "اسماعیل بن احمد را عادت چنان بود آنروز که سرما سخت بودی و برف بیشتر آمدی، تنها برنشستی و به میدان آمدی تا نماز پیشین بر پشت اسب بودی. گفتمی باشد که متظلمی بدرگاه آید و حاجتی دارد و او را نفقاتی و مسکنی نبود و چون به عذر برف و سرما ما را نبیند، مقام کردن و تا به ما رسیدن بر وی دشوار گردد، و چون بدانند که ما اینجا ایستاده ایم بیاید و کار خویش بگذارد و بسلامت برود. (نظام الملک، بی تا، ص ۲۸).

ابن بطوطه نیز طرز داوری قاضی برهان الدین (از قضات دوران سامانی) در حق زن بینوایی را حکایت می کند: «قاضی برهان الدین روزی بیرون مسجد نشسته، زنی پیش او آمد و پرسید که ای شیخ، قاضی کجاست؟ گفت: چکار داری؟ گفت: شوهرم جز من زن دیگری هم دارد و در قسمت میان ما مراعات عدالت نمی کند.» (راوندی، ج ۳، ص ۶۸۴)

اگر چه مراجعه به قاضیان و یا حضور در محل استقرار قاضی (دارالقضاء) در دوران آل بویه نیز بعنوان یک روش شناخته شده برای طرح دعوی بروال گذشته ادامه داشت، اما با توجه به پراکندگی حکومت آل بویه و تنزل جایگاه قضاوت و خرید و فروش

<sup>۱</sup> خضراء کوشک مثل سبزه میدان، جایی بوده که یعقوب آنجا بر بلندی یا غرفه ای مشرف بر آن میدان نشستی و عامه قصه بدو برداشتندی و عرض حال تقدیم کردی (تاریخ سیستان، ص ۲۶۵)

منصب قاضی القضاتی، امرا و پادشاهان این سلسله در امور قضایی دخالت موثری نداشتند و امور قضایی کشور را به قاضی القضاات سپرده بودند.

### ۳- مساجد:

اگر چه در آیین دادرسی اسلامی شرایط ویژه ای برای مکان دادرسی تعیین نشده، ولی چون مسجد پایگاه تمام امور اسلام و جایگاه تفسیر و تبیین قوانین شریعت است، لذا در قیاس با دیگر محل ها، مناسبت بیشتری برای انجام امور قضایی دارد. ضمن آنکه پیدا کردن محل آن برای مردم بومی و بیگانه نیز آسان تر بوده است. علیرغم تنوع در مکان های دادرسی، مساجد و خصوصاً مسجد جامع هر منطقه، همواره یکی از مهمترین مراکز قضائی محسوب می شد که قاضی در آن حضور می یافت و مردم برای تظلم و دادخواهی بدانجا رجوع می کردند. داوران در آنجا می نشستند و به شکایات مردم گوش می دادند و حکم صادر می کردند. حتی فرمان انتصاب قاضی نیز در مسجد خوانده می شد. (متز، ۱۳۶۴، ص ۲۵۵) بدین لحاظ به آنان «قاضی المسجد» نیز می گفتند. (ماوردی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲) علاوه بر آن صحن مساجد بزرگ و مدارس که معمولاً متصل به مساجد جامع بوده، نیز بعنوان محل هایی که بعضاً در آن قضاوت صورت می گرفته استفاده می شده است (وکیع، ۱۴۲۲، ص ۳۱۳). مسجد شهر معمولاً محلی بود که قاضی در آن جا رای خود را صادر می کرد. (فرای، ۱۳۴۸، ص ۱۰۹)"

رسول اکرم (ص) بعنوان اولین قاضی در اسلام بارها در مسجد النبی به قضاوت پرداختند. نقل ها و روایات متعددی از قضاوت ابوبکر، عمر، عثمان که در مدینه راساً در مسجد به قضاوت می نشستند وجود دارد. (وکیع، ۱۴۲۲، ص ۷۷) قضاوت های متعددی از علی (ع) هم در مسجد پیامبر (ص) وهم در مسجد کوفه روایت شده، ضمن آنکه «دکه القضاء»<sup>۱</sup> آن حضرت در این مسجد معروف است.

- جوانی در مسجد به حضرت علی (ع) شکایت کرد از همسفران پدرش، که پدرم با اموال فراوانی با گروهی به تجارت رفت و اینک همسفرانش برگشته اند و ادعا می کنند که پدرت در بین راه مرده است. وقتی می پرسم پس اموالش کجاست؟ می گویند: او مالی نداشت! حضرت دستور داد همسفران را حاضر کردند و فرمود: یکی یکی و جدا جدا در نزد ستون های مسجد بایستند و سپس از آن ها بازجویی کردند. در نهایت، افراد به قتل اعتراف کردند. (شوشتری، بی تا، ص ۴۰) از این روایت نه تنها قضاوت حضرت در مسجد بلکه داشتن جایگاه قضاء در مسجد نیز اثبات می شود.

علاوه بر علی (ع)، دیگر قضات معروف آن دوران نظیر شریح بن حرث الکندی، خالد بن طلیق و ... نیز در مسجد به قضاوت می نشستند. (وکیع، ۱۴۲۲، ص ۳۱۱-۳۱۹ و ۳۵۷)

<sup>۱</sup> دکه القضاء محلی در مسجد کوفه است که علی (ع) در آن نشسته و به قضاوت میان مردم می پرداختند.

در عصر امویان و عباسیان همانند گذشته، جلسات دادرسی غالباً در مسجد (برای مسلمانان) یا در آستانه مسجد (برای اهل کتاب) برپا می‌شد. خلفای بنی امیه و بنی العباس نیز در جلسات مظالم حضور یافته و به سخنان شاکیان گوش فرا داده و به قضاوت می‌پرداختند. نقل است هنگامیکه مأمون خلیفه عباسی در خراسان بود: «هر روز اندر مسجد جامع آمدی، و مظالم کردی، و علماء و فقها را بنشاندی و سخن متظلمان بشنیدی و داد ایشان بدادی.» (گردیزی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵)

در مرکز خلافت نیز، دارالقضاء محل جلوس قاضی بود که به دعاوی افراد و رفع خصومت میان آنها می‌پرداخت. (کندی، بی‌تا، صص ۳۲۱-۳۵۱-۴۰۵-۴۰۷-۴۶۷-۴۶۹-۵۲۶). قاضیان منصوب از سوی خلفای اموی از جمله فضاله الانصاری، سلیمان الیحصبی، ابودریس الخولانی، ابومسعود عبدالله بن زید، عثمان النعیمی و... (سعیدیان، ۱۳۸۵، ص ۴۲) نیز در سرزمین های اسلامی در مساجد به دادرسی میان مردم می‌پرداخته اند. به امر مهدی عباسی، در مسجد جامع مدینه دو قاضی به نام های «عافیه بن یزد الاولادی» در یک طرف مسجد و دیگری «محمد بن عبدالله بن علائه» در طرف دیگر به قضاوت می‌نشستند. (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۱۴۲)

علیرغم آنکه با توجه به سنت نبوی، داوری و قضاوت علی القاعده در مسجد منع شرعی نداشته است، اما این حضور در دوره های بعدی بعضاً مورد اختلاف بوده، مثلاً در دوران المعتضد عباسی، دستوری از سوی خلیفه صادر شد مبنی بر اینکه قاضیان در مسجد ننشینند. البته این دستور عملاً رعایت نمی‌شد و قضات کماکان در مساجد جامع حاضر و به رفع دعاوی مردم می‌پرداختند. (متز، ۱۳۶۴، صص ۲۵۴-۲۵۵)

### ۱-۳- قضاوت در مسجد، حرمت، کراهت یا استحباب؟

علما و فقهای مذاهب مختلف در خصوص وجه شرعی قضاوت در مسجد نظرات متفاوتی ارائه کرده اند. از بررسی گزارشات تاریخی و تألیفات مربوط به آداب قضاوت بر می‌آید که "مقصود از «قضاوت در مسجد» آن است که قاضی در مسجد بنشیند و به دادرسی مردم بپردازد و بین طرف های دعوا حکم کند." اصل قضاوت در مسجد، به همین معنا، مورد اتفاق علما بوده و هیچ فقیهی به حرمت قضا در مسجد قائل نیست، اگرچه انجام قضاوت در مسجد را هم واجب ندانسته اند.

مقصود از «حضور قاضی در مسجد»، نیز مسجد جامع هر شهر و یا بزرگترین و معروفترین آن بوده که حکم انتصاب قاضی در آن قرائت می‌شده (متز، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۵۵) و مردم برای طرح دعوا های خود نزد قاضی به این محل ها مراجعه می‌کرده اند. (ماوردی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲) با این حال در میان آراء فقهای بزرگ متقدم و متأخر در خصوص وجه شرعی قضاوت در مسجد، ۵ دیدگاه مختلف قابل مشاهده است:

۱ - برخی از علما از جمله محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق) و نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق) قضاوت در مسجد را چه به صورت دائم و چه به صورت مقطعی به طور مطلق مکروه می‌دانند.



۲ - برخی در اینکه مسجد بعنوان مکان دائم قضاوت باشد یا بصورت اتفاقی در مسجد قضاوت شود، تفاوت قائلند. محقق حلی، اینکه مسجد دائما برای محل قضاوت باشد را مکروه، ولی اگر گاهی در آن قضاوت صورت گیرد مکروه نمی داند. مرحوم میرزای قمی (۱۱۵۰-۱۲۳۱ق.) نیز بر همین نظر است.

۳ - قضاوت در مسجد نه تنها مکروه نیست که مستحب است. این نظریه از ظاهر عبارت برخی فقها نظیر شیخ مفید (۳۳۶ یا ۴۱۳-۳۳۸ق)، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، ابن حمزه (عالم شیعی قرن ۶ هجری)، ابن ادریس (۵۴۳-۵۹۸ق) قابل اثبات است.

۴ - قضاوت در مسجد جایز است ولی احتیاط در ترک آن است. شیخ محمد حسن النجفی صاحب جواهر (۱۲۰۲-۱۲۶۶ق) و شیخ انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق) قائل به این امرند.

۵ - قضاوت در مسجد مطلقا (دایم و مقطعی) جایز است، در هر دو صورت، صدور حکم و قضاوت در مسجد هیچ کراهتی ندارد. این نظر از اقوال شیخ طوسی و قاضی ابن براج (حدود ۴۰۰ تا ۴۸۱ق) و ابن ادریس (۵۴۳ق - ۵۹۸ق) استفاده می شود.<sup>۱</sup>

در نهایت آنچه که از مجموع نظرات فقهی علما در این خصوص می توان استنباط کرد این است که همه فقها قضاوت در مسجد را جایز می دانند، با این تفاوت که برخی آن را مکروه و برخی مستحب می شمردند که این امر تأثیری بر روند قضا و آراء صادره از سوی قاضی نیز ندارد.

## ۲-۳- قاضیان در مساجد حکومتی متقارن

از زمان ورود اسلام به سرزمینهای شرقی خلافت اسلامی (ایران)، مساجد جامع شهرهای بزرگ آن روزگار در نیشابور، سیستان، خوارزم، قهستان، جرجان، شروان، توس، جبال، دامغان، خوزستان، مرو، بلخ، سمرقند، بخارا، همدان، شیراز، اهواز و ... محل دادرسی و استقرار قاضی اصلی و تشکیل جلسات دادرسی بود.

بر خلاف آنکه محل برگزاری مجلس مظالم معمولا مقرهای حکومتی آن دوران مانند دارالاماره و یا مکان های دولتی مشخصی که اعلام می شده، بوده است، قاضیان شهرها بندرت در منزل شخصی خود قضاوت می کردند و اغلب مسجد جامع و یا مسجد معروف شهر، اصلی ترین محل قضاوت قاضیان بود و به همین علت به آنها «قاضی المسجد» هم می گفتند (ماوردی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

در برخی از مساجد جامع این شهرها که در ابتدا توسط فاتحان مناطق مختلف ایران ساخته می شد، قاضیانی معروف، سالها میان مردمان آن دیار به دادرسی پرداخته اند که نام بسیاری از آنان در کتب تاریخی و محلی متعدد ذکر شده است. "یحیی بن یعمر

<sup>۱</sup> برای اطلاعات بیشتر نک: مرتضی رستگار، قضاوت در مسجد، مجله همایش هفته جهانی مسجد، ۱۳۸۴.

عدوانی" (م ۱۲۹ه.ق) در دوره خلافت عبدالملک مروان از سوی قتیبه بن مسلم، حاکم آن روز خراسان به سمت قضا منصوب شد. وی بیشتر در شهرهای نیشابور و هرات قضاوت می‌نموده است: (وکیع، ۱۴۲۲، ص ۶۸۵؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸)

"مطرف بن سمره" قاضی و فقیه بزرگ (م ۱۸۱ق) که در عصر هارون الرشید به همراه "صدقه بن عثمان" با سپاهی به بست آمد، و مسجد جامع سیستان را بنا نهاد و تا بیست سال در سیستان قضاوت کرد (بهار، محمدتقی، ۱۳۶۶، صص ۱۵۲-۱۵۵).

البته با قدرت یافتن اهل سنت در نیمه های قرن سوم، چون نظرات ایشان تشکیل مجلس قاضی در مسجد، منافی حرمت آن بود، معتضد خلیفه عباسی به سال ۲۷۹ دستور داد قاضیان در مسجد ننشینند، اما این فرمان خیلی موثر واقع نشد و اغلب قضات کماکان به انجام دادرسی در مساجد ادامه دادند (متز، ۱۳۶۴، ص ۲۵۵).

در کنار مجالس مظالم که اغلب در مقرهای حکومتی برگزار می‌شده، قضاوت در دوره طاهریان و صفاریان، به دعاوی عادی مردم در مساجد جامع و معروف در مرکز حکومت و دیگر شهرهای مهم رسیدگی می‌کرده اند که روایتهای متعددی از این قضاوتها، در مساجد شهرهای مهمی چون ری، نیشابور، طبرستان، فارس، اهواز و ... ذکر شده است. (وکیع، ۱۴۲۲، ص ۶۴۲)

مساجد، یکی از پایگاههای فعال و مهم حکومت علویان طبرستان بود و حاکمان علوی که خود اغلب مزین به زیور فقه و دانش دینی بوده اند، علاوه بر ساخت مساجد متعددی در طبرستان (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، صص ۱۰-۱۰۳؛ خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۸۳) در مقام قاضی میان مردم به دادرسی می‌نشسته اند. علاوه بر مجالس مظالم، روزهای جمعه هر هفته بعد از نماز جمعه نیز حاکم علوی شخصا بعنوان قاضی میان مدعیان حکم می‌کرده است. مساجد جامع شهرهای مهم این سلسله در آمل، چالوس، رویان، ساری، جرجان و ... محل جلوس قاضی برای دادرسی بوده است. بنظر می‌رسد عمده این قاضیان از دوره تسلط دیگر حکومتهایی که سابقا بر این منطقه حاکم بوده اند (از جمله طاهریان) همچنان در این موقعیت شغلی بوده اند.

استفاده از مساجد مهم شهرها برای امر قضاوت در دوره سامانیان نیز معمول بود. چنانکه آمده است "از رسم‌های نیکوی نیشابور، به داوری نشستن سپهسالار یا وزیر او است که با کمک قاضی و رئیس و چند تن از دانشمندان و بزرگان، روزهای یکشنبه و چهارشنبه دادخواهی ستمدیدگان را می‌پذیرند و روزهای دوشنبه و پنجشنبه در مسجد رجاء حکم صادر می‌کنند و این در کشور اسلام بی‌مانند است." (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۸۰) قاضی در هنگام قضاوت به یکی از ستونهای مسجد تکیه می‌داد و می‌نشست و در هنگام گرمای تابستان، جلسات دادرسی را در حیاط مسجد برگزار می‌کرد. جلسات دادگاه معمولا علنی و برای همگان آزاد بود (متز، ۱۳۶۴، صص ۲۵۵-۲۵۶). این روایات تاریخی نشان می‌دهد نه تنها در مرکز حکومت سامانیان، بلکه در دیگر مناطق سامانیان (بخارا، مرو، هرات، بلخ، سمرقند و ...) نیز انجام قضاوت و دادرسی در مساجد جامع هر منطقه با حضور قاضیان منصوب از سوی قاضی القضاات سامانی انجام می‌پذیرفته است.

نشستن قاضیان در مسجد برای دادرسی در دوره زیاریان نیز ادامه داشت و مساجد جامع استرآباد، آمل، رویان و جرجان و مسجدهای دیگری که در عهد آنان در دیگر مناطق بنا شد (وکیلی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۴)، تحت نظر قاضیان معروف آن دوران از جمله

ابومحمد بن مکی گرگانی، قاضی ابوبشر فضل جرجانی، قاضی القضاة ابوالعباس رویانی، ابوعامر جرجانی، ابوبکر محمد طبری که مورد لطف قابوس، امیر زیاری نیز بودند انجام می گرفت. (عماری، بی تا، ج ۲)

در حاکمیت چند گانه آل بویه، نهاد قضاوت از شرایط مناسبی برخوردار نبود، «معزالدوله برای نخستین بار منصب قاضی القضاة و شحنگی بغداد را به تیول داد، و ابوالعباس عبدالله بن حسین بن ابی الشوارب را، در ازای هر سال ۲۰۰'۰۰۰ درهم، به قاضی القضاة برگماشت.» (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ص ۴۰۶). حاکمان آل بویه که امور قضایی را به قاضی القضاة واگذار کرده بودند، خود دخالت چندانی در امور قضایی نداشتند. حتی از برگزاری مظالم در این دوره مطلب چندانی در کتب تاریخی مشهود نیست. با این حال امر قضا به روال دوره گذشته در مساجد و «دارالقضاء» که مقر قاضی القضاة بود انجام می گرفت.

#### ۴ - خانه قاضی

با توسعه امر قضا در خلافت اسلامی و همزمان در دولت های متقارن، اگرچه بتدریج مکانهای خاصی برای امور قضایی و برگزاری جلسات محاکمه در نظر گرفته می شد (مسجد، دارالقضاء، دیوان قضا و .....)، اما محل سکونت قاضی نیز یکی از مکان هایی بوده که بعضاً در آنها قضاوت صورت می گرفته است. سبب آن بوده که معمولاً قضاة از میان فقها و علمای برجسته و مورد اعتماد انتخاب می شده اند و اغلب مورد رجوع مردم بوده اند، و بدین لحاظ دسترسی به آنان در منازلشان آسانتر بوده و یا اینکه محل خاصی برای مراجعه افراد خصوصاً در مناطق دور از شهرهای مهم برای دادرسی وجود نداشته است.

با این حال برگزاری جلسات محاکمه در خانه قاضی از صدر اسلام مورد شبهه و تردید بوده است. «شریح بن حرث الکندی»، اولین قاضی است که بدین علت مورد نهی و عتاب علی (ع) قرار می گیرد و به او توصیه می شود که محل دادرسی و دادخواهی را در منزل شخصی خود قرار ندهد، بلکه برای قضاوت به مسجد بنشیند و در چنین جایگاه همگانی به دادرسی بپردازد. علی (ع) این امر را مایه وهن قاضی دانسته و قضاوت در مسجد را به عدل نزدیکتر توصیف نموده اند. (ابن حیون، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۳۴) بنظر می رسد یکی از دلایلی که موجب مخالفت علی (ع) با انجام محاکمه در خانه قاضی است، تأکید بر اصل علنی بودن محاکمات است که در سیره قضایی آن حضرت نیز دیده می شود. از آغاز حکومت اسلامی نیز، قاضی در مسجد جامع حضور می یافته، دادرسی، علنی و حضور همگان در آن آزاد بوده است. (فهیمه فرهمندپور، ۱۳۹۰، ص ۹۶)

نمونه های دیگر قضاوت در منزل، قضاوت "کعب بن سور الازدی" (وکیع، ۱۴۲۲، ص ۱۷۶)، "یحیی بن یعمر" (همان، ص ۶۸۵)، "قاضی ابویوسف" (همو، ص ۶۸۰)، "قاسم بن عبدالرحمن" (همو، صص ۴۹۲-۴۹۳) و ... در منزل شخصی شان بوده است. گاه نیز قاضی بر در خانه خود کنار کوچه می نشست و همانجا به اظهارات شاکی و متشاکی گوش فرا می داده است. (کندی، بی تا، ص ۳۵۱)

در عصر سامانیان مسجد شهر معمولاً محلی بود که قاضی در آن جا رای خود را صادر می کرد، گر چه در متون قدیم مواردی هست که نشان می دهد قاضی در خانه خود نیز به قضاوت می نشست است. (فرای، ۱۳۴۸، ص ۱۰۹) علیرغم کراهت این موضوع،

برگزاری جلسه محاکمه در منزل قاضی در دوره های دیگر نیز ادامه داشته، و برخی از قاضیان خصوصاً در مناطق دور از مرکز، در منازل خود به دعاوی افراد رسیدگی می کرده اند.

## ۵- اماکن حکومتی:

در سالهای نخست دوره اسلامی در اماکن حکومتی، محل اداری خاصی برای استقرار تشکیلات و عوامل قضائی وجود نداشت و در سرزمین های شرقی خلافت اسلامی نیز بنا بر سنت آن روزگار مساجد، خانه قاضی و دارالحکومه محل دادخواهی بود. اما بتدریج و به میزان توسعه دستگاه قضاء در مرکز خلافت برای قضاوت و دادرسی نیز محلی در کنار دیگر بناهای حکومتی اختصاص یافت. اما با توجه به اینکه تقریباً تمامی حاکمان آن روزگار علاوه بر حکمرانی، برای خود، شأن قضاوت نیز قائل بودند، در محل استقرار در **دارالخلافة، دارالحکومه، دارالاماره، دارالولایه** و ... به قضاوت می نشستند. به قضاوت نشستن حاکمان و امرای دولتهای متقارن در مراکز حکومتی امری معمول بوده و اغلب مجالس مظالم در این مکانها برگزار می شده که بنظر می رسد این حضورها بیشتر جنبه نمادین و قدرت نمایی داشته و گرنه بیشتر آنان و نایبان شان، حتی فاقد شرایط ابتدایی یک قاضی بودند.

منابع تاریخی بکرات از به قضاوت نشستن و رسیدگی مستقیم طاهر و فرزندش عبدالله به دعاوی مردم در جلسات مظالم که بعضاً به صورت مرتب و در ایامی مشخص و با حضور حاجبان، قضات، فقها، کاتبان، و شهود برگزار می شد، سخن گفته اند، که محل آن معمولاً مقرهای حکومتی آن دوران دارالاماره و یا مکان های دولتی مشخصی که اعلام می شده، بوده است (ایرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵).

شواهد تاریخی نشان می دهد که امیران صفاری نیز در دوره کوتاه مدت حکومت خود، به تناوب به مظالم می نشستند که محل آن در مقر حکومت یعقوب و امرای پس از او بوده است. در روزگزار صفاریان، یعقوب شخصاً در روز معینی در میدان قصر می نشست و به عرض ها و حال شکایات رعایا رسیدگی می نمود. « اندر عدل چنان بود که بر خضراء کوشک نشستی تنها، تا هر که را شغلی بودی بیای خضراء برفتی و سخن خویش بی حجاب با او بگفتی و اندر وقت تمام کردی، چنانکه از شریعت واجب کردی. (بهار، ۱۳۶۶، ص ۲۶۵)»

علویان طبرستان نیز با توجه به وجهه دینی و مذهبی شان، اهتمام زیادی به امر عدالت داشتند، "داعی صغیر حوالت هیچ مهم از مهمات شرعی و دیوانی به کسی نکردی و همه به نظر شخص خویش فرمودی." جلسات دادرسی در روزهای معینی از هفته در دارالحکومه برگزار می شده و داعی علوی ریاست این جلسات را بر عهده داشته است (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۲۸۴). در دیگر شهرهای تحت حاکمیت علویان نیز حاکمان محلی بر همین منوال در مقرهای حکومتی خود به مظالم می نشستند. « محمد بن احمد الناصر به آمل حکم می کرد و دوشنبه و پنجشنبه بار دادی و قضاء حاجات مسلمانان کردی. (همان، ص ۲۹۶)»

سامانیان در قلمرو پهناور خود به تبعیت از مرکز حکومت، جلسات دادرسی مظالم را در دیوانخانه ها و در مقر حاکمان سامانی برگزار کرده و به شکایات و یا دعاوی مردم گوش فرا داده و به آن رسیدگی می کردند. "از رسم های نیکوی نیشابور، به داوری

نشستن سپهسالار یا وزیر او است که با کمک قاضی و رئیس و چند تن از دانشمندان و بزرگان، روزهای یکشنبه و چهارشنبه دادخواهی ستمدیدگان را می‌پذیرند و...» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۸۰) دیوان قضا نیز محل استقرار و مقر قاضی القضات بود که محل آن در کنار ارگ سلطانی بود. (نرشخی، ۱۳۶۳، ص ۲۶)

اگر چه کمتر اطلاعی از چگونگی کارکرد نهاد قضا در عصر حکومت ناپایدار زیاریان دیده می‌شود، اما امر قضا ادامه وضعیت پیشین بوده و قاضیان منصوب سامانیان حد اقل تا تثبیت حاکمیت آل بویه، کماکان در مناطق مختلف زیاریان به امور دادرسی اشتغال داشته‌اند، در عین حال به رسم حاکمان قبلی این منطقه، مجالس دادرسی و قضا در مقرهای حکومتی نیز برگزار می‌شده است:

- شمس المعالی قابوس به جمله ولایت حاکم شریعت او بود و مفتی و صاحب تصنیف و حکایات قضاء او بسیار است. یکی آنکه وقتی به «مجلس حکم» او مردی بر یکی دعوی صد دینار کرد. ... والخ (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۱۲۴)

در سلسله آل بویه، اگر چه گسترش فساد در ارکان دولت و خرید و فروش مناصب دولتی از جمله منصب قاضی القضاتی، دادرسی عادلانه را از مردم سلب کرده بود، در عین حال برخی از پادشاهان آل بویه و فرمانروایان آن در مناطق مختلف، به رسم پیشینیان و به هدف نشان دادن اقتدار و عدالت خواهی، در دربارها و مراکز حکومتی خود در شیراز، ری، بغداد، همدان، اصفهان و ... با حضور قضا و علمای وقت به شکایت شاکیان رسیدگی و دادرسی می‌کردند (فقیهی، ۱۳۷۳، صص ۳۶-۹۳-۹۴-۲۳۰). عدم دخالت پادشاهان آل بویه در امور قضایی و واگذاری آن به قضا منسوب (خصوصاً در اواخر حیات این سلسله)، موجب شده بود مجالس مظالم و رسیدگی به دعاوی کمتر از دوره‌های گذشته در مراکز حکومتی برگزار گردد و محاکم قضایی نیز تبدیل به محل هایی برای اعمال زور و ستاندن رشوه گردد.

## ۶- دارالقضاء :

دارالقضاء نام عام مکانی بوده که امور قضائی ارباب رجوع، از جمله محاکمه در آن انجام می‌گرفته است. عثمان خلیفه سوم، مبتکر دارالقضاء در مدینه بود (نجفی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۹) اما اولین کاربرد این عنوان، مربوط به خانه عمر بن خطاب در میان «باب الرحمه» و «باب السلام» در مدینه منوره است که در دوره منصور عباسی در جریان توسعه مسجد النبی ساختمانش ویران شد و به یکی از دربهای مسجد النبی درآمد. اگر چه دارالقضاء به این مکان اطلاق می‌شده، اما برخی معتقدند که در آن امر قضاوت صورت نمی‌پذیرفته و علت این نامگذاری، فروش آن برای ادای قرضی بر عهده عمر بن خطاب بوده است (سمهودی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۰-۲۸). البته برخی نیز بر این اعتقادند که ابتدا عمر بن خطاب و پس از آن مروان بن حکم در این مکان به قضاوت می‌پرداختند. (مرادی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳)

بهر حال دارالقضاء محلی جدای از مجالس مظالم، بوده که در آن قاضی مستقلا به امور دادرسی می پرداخته و در دوره امویان و عباسیان نیز کارکرد داشته است. وقتی محمد بن طلحه، علیه هشام بن عبدالملک (خلیفه اموی) نزد قاضی طرح دعوی کرد، خلیفه حاجب خود را نزد قاضی فرستاد. قاضی گفت: خلیفه باید در وهله اول خودش به «دارالقضاء» بیاید و اگر به عذری موجه نمی آید، تو که به ادعای وکالت از سوی خلیفه به «دارالقضاء» آمده‌ای برای اثبات سمت خود باید دو شاهد عادل اقامه کنی. (ابن عبد ربه، ۱۴۰۷، ص ۲۸)

در تشکیلات اداری و قضائی دولتهای متقارن، مکان و محلی به نام «دارالقضاء» مشاهده نمی شود. در دوره سامانیان، اگرچه مقر قاضی القضاة در کنار ارگ سلطان قرار داشت، ولی به آن دارالقضاء گفته نمی شد، تنها در دوره بوئیان مقرر قاضی القضاة، دارالقضاء نامیده می شد. (وفا زواره ای، ۱۳۸۵، ص ۳۰۸)

بنظر می رسد در طول سالها بتدریج نزد مردم و در فرهنگ عامه، محل استقرار قاضیان «دارالقضاء» نام گرفته باشد. اگر چه این عنوان جنبه رسمی حکومتی نیز نداشته است. اما حکومت های قرون ۷ و ۸ اسلامی به بعد، از این عنوان برای نامیدن مکان تشکیلات نهاد قضا و محل محاکمات استفاده می کرده اند. این دارالقضاها بتدریج سازمان یافته شدند که در آنها علاوه بر قاضی، کاتب، حاجب، مسئول اسناد و وثائق، عهده دارسپردهای مردم (امانات) نیز به عوامل اصلی محکمه اضافه شدند (شهیدی پاک، ۱۳۹۳، ص ۳۲۲) که «دارالقضای بلخ»، «دارالقضای هرات»، «دارالقضای نیشابور»، «دارالقضای ری» و ... از جمله آنهاست.

در قرون متاخر و با تشکیل دولتهای مدرن و اصل تفکیک قوا در آنها، و همزمان تشکیل نهاد قضا با ساختارهای جدید، کاربرد این عنوان تقریباً منحصر به مکانهای اداری قضایی شد که در آنها امور قضایی تمثیت و مدیریت می گردد، که از جمله آنها می توان به دارالقضاء در کشورهای افغانستان، امارات متحده عربی، مصر، لبنان و برخی دیگر از کشورهای عربی اشاره نمود.

## ۷- سایر مکانها :

### الف: قبه المظالم

مهتدی خلیفه عباسی نیز برای تسهیل دسترسی مردم، ساختمانی با چهار درب ورودی برای جلسات دادرسی و استقرار قضاة بنا کرد و آنرا " قبه المظالم " نام نهاد. حتی در اوقات سرمای سخت زمستان برای مراجعین تسهیلاتی را در نظر گرفت (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۸۴).

### ب: قضاخانه

- در دوره فتوحات، برخی از فاتحین مناطق، در ساخت شهرهای جدید، محلی را برای امر قضاوت نیز پیش بینی می کردند. مثلاً "عمر بن محمد بن قاسم"، فاتح سند در آن سرزمین شهر منصوره را بنا نهاد، وی محکمه قضاة را هم در آن ساخت، که برای نشستن قاضیان و عمه محکمه و حفظ دیوان «قضاخانه‌هایی» داشت (حیبی، ۱۳۸۰، ص ۵۴۰).

## ج: دیوانخانه

- "معروف است که" امیر اسماعیل سامانی برای احقاق حقوق مردم و دفع مظالم در بخارا «دیوانخانه» و داوران مخصوص داشت (پیرنیا ۱۳۹۵، ص ۱۹۹). اما در دیگر دولتهای متقارن چنین مکانی وجود نداشته است.

## د: میادین پر رفت و آمد

میادین اصلی شهرها نیز در برخی از اوقات، توسط برخی از زمامداران حکومتهای متقارن، محلی برای دادرسی و تظلم رعایا بوده، که حاکمان باتفاق تعدادی از فقها و قضات در روزهای مشخصی در آن حاضر می شدند و به مراجعات مردم رسیدگی می کردند.

- در روزگار صفاریان، یعقوب شخصا در روز معینی در میدان قصر می نشست و به عرض حال ها و شکایت رعایا رسیدگی می نمود (بهار، ۱۳۶۶، ص ۲۵۹).

- امیر اسماعیل سامانی نیز برای اطمینان از دسترسی عموم به او برای اقامه دعوی، در میدان شهر می ایستاد تا اگر بر کسی ظلم رفته، از او دادخواهی نماید. (نظام الملک، بی تا، ص ۲۸)

## ه: اعزام و یا مراجعه قاضیان به روستاها و نواحی اطراف شهر

گزاره های تاریخی متعددی حاکی است که بالضروره، برخی از قضات، خود بصورت دوره ای نیز به روستاها و نواحی اطراف شهر سر می زدند و میان مردم قضاوت می کرده اند. (وکیع، ۱۴۲۲، ص ۳۰۶).

امرای صفاری علاوه بر برگزاری جلسات دادرسی در مرکز، به هر نقطه ای که عزیمت می کرده اند، جلسات دادرسی را برگزار و میان مردم به دادرسی می نشسته اند و علاوه بر آن گروههایی را نیز برای رسیدگی به امور مردم به نقاط مختلف اعزام می کرده اند. داعیان علوی خود به هر ناحیه ای که وارد می شدند به قضاوت میان مردم نشسته و حقوق ضایع شده آنانرا اعاده می کرده اند. در دوره سامانیان نیز سرزدن قاضیان به روستاها و قصبات حوزه های کاری امری معمول بوده و بعضی از قضات با درخواست طرف دعوی به منطقه آنان می رفته اند. ابن بطوطه عزیمت قاضی برهان الدین (از قاضیان دوره سامانیان) به روستایی در اطراف شهر را برای احقاق حق زن بینوایی که در روستا مورد ظلم شوهرش قرار گرفته بود به تفصیل بیان کرده است. (راوندی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۶۸۴)

## و: دارالعدل

«دارالعدل» به معنای خانه داد و دادگستری بود. اگر چه در تاریخ دولتهای متقارن مکانی به این نام دیده نمی شود، اما «سلاطین ایوبی»، آنگاه که به حکومت رسیدند، ساختمانی بنا کردند تا به امور مظالم رسیدگی نمایند و نام آن را «دارالعدل» نهادند. دارالعدل، به تدریج جایگزین «دارالقضایی» شد که در صدر اسلام معمول بود. پیش از ایوبیان، «ملک عادل نورالدین زنگی» نیز به تأسیس دارالعدل در دمشق همّت گماشت (مرادی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲) که محل دادرسی و اقامه دعوی بوده، اگرچه کماکان مساجد جامع، خانه قاضی، دارالحکومه، محل های اصلی دادرسی بشمار می آمدند.

## نتیجه گیری و جمع بندی:

پژوهش انجام گرفته در خصوص مکان شناسی محاکم قضایی، حاکی است، اگر چه در ابتدای اسلام محل خاصی برای امر قضاوت وجود نداشت و جلسات محاکمه، معمولاً به شکلی ساده و در محل رجوع متخاصمین برگزار می گردید، اما بمقتضای مصالح عامه در دهه های نخست دوره اسلامی، مکانهای دادرسی علاوه بر محل حضور قاضی، مساجد معروف و جامع شهرهای بزرگ و بعضاً خانه قاضی را نیز شامل می شده است.

در دوره های بعد و در عصر حکومتهای متقارن، جلسات محاکم علاوه بر مساجد مشهور و خانه قاضی، در محل دارالخلافه، دارالحکومه، دارالاماره، مقر استقرار والیان و امیران، میادین پررفت و آمد شهرها و ... نیز برگزار می شده است. بتدریج و به میزانی که دستگاه قضائی در مرکز خلافت و حکومتهای متقارن متحوّل و گسترده تر شد، برای امور قضایی و دادرسی نیز بعضاً محل هایی با عناوینی چون دارالقضاء، قبه المظالم، قضاخانه، دیوانخانه، دارالعدل در کنار دیگر بناهای حکومتی اختصاص یافت.

اما علیرغم استقرار نهاد قضا و مکانهای قضایی در مقر این حکومت ها، مساجد اصلی و خصوصاً مساجد جامع در شهرهای مختلف، همچنان بعنوان مرکزی برای مراجعه مستقیم متخاصمین و طرح دعوی تا اواخر دوره اسلامی کارکرد داشت و یکی از محل های مهم حضور قاضیان در آنها بود.

در مجموع مکان یابی جلسات دادرسی (محکمه) در دوره حکومتهای متقارن روندی روشن و مشخص را نشان نمی دهد و تغییر و تحولات آن نیز که در بسیاری از اوقات تابعی از دیگاه حاکمان به نهاد قضاء در این حکومتها بوده، بصورتی واحد و یک شکل امکان اجرا نیافته و در مناطق دور دست عملاً امکان تحقق نداشته است. با این تغییرات بطئی و کند، احتمالاً در هیچ دوره ای از عصر حکومتهای متقارن، دسترسی آسان برای تظلم و دادخواهی مردم به شکلی مساوی و آسان فراهم نبوده و بجز برخی مراکز حکومتی در شهرهای مهم، مردم دیگر نواحی و مناطق دورافتاده، عملاً مکانی برای طرح دعوی خود نداشته اند و تنها در صورت وجود قاضی، مساجد و بعضاً خانه قضات به عنوان محلی برای برگزاری جلسه داوری مورد استفاده قرار می گرفته است.

بنظر می رسد امیران، پادشاهان و حاکمان دولتهای متقارن نیز تمایل چندانی به ایجاد مراکز مستقل، معین و مشخص برای امور قضا و برگزاری جلسات محاکمه نداشتند و برگزاری جلسات محاکمات در دوایر حکومتی را تنها وجهه مناسبی برای نشان دادن علاقه مندی خود به اجرای عدالت تلقی می کرده اند وگرنه بنظر نمی رسد توسعه عدالت قضایی واقعا هدف غایی آنان بوده باشد. بدین لحاظ علیرغم واگذاری تدریجی امر دادرسی به نهاد قضا، تلاش داشته اند همچنان قدرت قضایی را در حیطه اختیارات خود نگه دارند، جلسات مظالم و محکمه های دادرسی را نیز تا حد امکان در مراکز حکومتی و دوایر دولتی خود محدود سازند و به امور قضایی مردم در این مکانها رسیدگی کنند، تا جلوه ای از اقتدار و عدالتخواهی حاکمیت آنان را به نمایش بگذارد. والله اعلم، والسلام



## منابع و مأخذ

- ابن اخوه، محمد بن محمد، *معالم القربه فی احکام الحسبه*، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸.
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن؛ *تاریخ طبرستان*. پدیده خاور، ۱۳۶۶.
- ابن خلدون، *العبر*. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- ابن خلکان، احمد بن محمد. *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*. الشریف الرضی، ۱۳۶۴.
- ابن عبد ربه، احمد بن محمد؛ *العقد الفرید*. دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. *البدایه و النهایه*. دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸.
- ابوشیخه، فایز موسی. *روائع من العدل الإسلامی*. دار المناهج، ۱۴۲۰.
- امین، حسن. *تاریخ حقوق ایران*. ۱۳۸۶.
- ایرانی، اکبر. *سرگذشت طاهریان*. اهل قلم، ۱۳۸۳.
- بهار، محمدتقی؛ و مؤلف ناشناخته، *تاریخ سیستان*. پدیده خاور، ۱۳۶۶.
- پیرنیا، حسن؛ و اقبال آشتیانی، *تاریخ ایران (قبل از اسلام)*. موسسه فرهنگی انتشاراتی پر، ۱۳۹۵.
- جاحظ، عمرو بن بحر. *تاج [آیین کشور داری در ایران و اسلام]*. آشیانه کتاب، ۱۳۸۶.
- حبیبی، عبدالحی. *تاریخ افغانستان بعد از اسلام*. افسون، ۱۳۸۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن. *وسائل الشیعہ*. مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۶.
- حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- راوندی، مرتضی. *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: نگاه، ۱۳۹۳.
- رستگار، مرتضی، *قضاوت در مسجد*، همایش هفته جهانی مسجد، ۱۳۸۴.
- زیدان، جرجی؛ و جواهر کلام، علی. *تاریخ تمدن اسلام*. امیر کبیر، ۱۳۷۲.
- سعیدیانی، نورالدین. «*قضاوت در عصر امویان*». ۵ (۱۳۸۵): بدون صفحه.
- سمهودی، علی بن عبدالله. *وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی*. مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی، ۱۴۲۲.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۳.
- شهیدی پاک، محمد رضا. *تاریخ تشکیلات در اسلام*. ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۳.
- شوشتری، محمد تقی؛ *قضاوت‌های امیر المؤمنین علی علیه السلام*. نشر جمال، بی تا.
- صلابی، علی محمد. *الخلیفه الأول أبوبکر الصدیق رضی الله عنه*. دار المعرفه، ۱۴۳۰.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*. فراهانی، ۱۳۵۰.
- عقیقی بخشایشی، عبد الرحیم. *طبقات مفسران شیعه*. نوید اسلام، ۱۳۸۷.
- عماری، حسین. «آل زیار». *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. تهران، مرکز دائرة المعارف، بی تا.
- فرای، ریچارد. *بخارا، دستاورد قرون وسطی*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- فقیهی، علی اصغر. *چگونگی فرمانروائی عضد الدوله دیلمی*. نشر پرتو، ۱۳۷۳.
- فهیمه فرهمندپور و دیگران. «*تحولات دیوان قضایی و تأثیر آن بر وضعیت و جایگاه قضات*». پژوهش نامه انجمن ایرانی، شماره سوم (۱۳۹۰): ۸۱-۱۰۲.
- کندی، محمد بن یوسف. *الولاء و کتاب القضاء*. دار الكتاب الإسلامی، بی تا.
- گردیزی، ابوسعید بن محمود. *زین الاخبار*. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- گلپایگانی، محمد رضا، *کتاب القضاء*، تهران، دارالقران الکریم، ۱۴۱۳.
- ماوردی، علی بن محمد. *ادب القاضی*. بغداد: مطبعة الارشاد، ۱۳۹۱.
- متر، آدم. *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه‌ی قراگزلو. امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- مرادی، علی اصغر. *واژه نامه فقه سیاسی*. مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۹.
- مسعودی، ابوالحسن. *مروج الذهب*. ترجمه‌ی پاینده. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- مقدسی، محمد بن احمد، ترجمه منزوی، *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*. کومش، ۱۳۶۱.
- نجفی، محمد باقر. *مدینه شناسی*. نشر مشعر، ۱۳۸۶.
- نرشخی، محمد بن جعفر؛ *تاریخ بخارا*. توس، ۱۳۶۳.

نظام الملک، حسن بن علی. *سیاست نامه (سیرالملوک)*. بی نا، بی تا.

نعمان (قاضی نعمان)، بن محمد؛ *دعائم الإسلام*، مؤسسۀ آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۳۸۳.

وفا زواره ای، محمد علی؛ و مسجدی، حسین. *تذکره مآثر الباقریة*. شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵.

وکیع، محمد بن خلف. *أخبار القضاة*. عالم الکتب، ۱۴۲۲.

وکیلی، هادی و دیگران. «*رویکرد فرهنگی اجتماعی آل زیار*». تاریخنامه خوارزمی (۱۳۹۴): ۱۳۰-۱۵۳.